

- گوری که خیام آرزوداشت

نیشابور قدیم که ویرانه های باقیمانده آن امروز با نام «شادیاخ» شناخته می شود، در زمان وفات خیام، قیرستانی دارد به نام «خیرق» یا «حیره». این گورستان در شمال تلاجرد علیا و در جنوب گورستان سردمیدان قرار داشته است. خیام را در این گورستان به خاک می سپارند. بنا بر گزارش نظامی عروسی، خودخیام در سنهٔ ۵۰۶ه‍.قمری چنین پیش‌بینی کرده بود: «گور من در موضعی باشد که هر بهاری، شمال بر من گل افشان می کند». نظامی‌عروسی زیارت گور خیام را در سنه ثلاثین ۵۳۰قمری- چنین روایت کرده است: «چون به نیشابور رسیدم، چهار سال بود که تا آن بزرگ روی در نقاب خاک کشیده بود. آدینه‌ای به زیارت او رفتم و یکی را با خود ببردم که خاک او به من نماید. مرا به گورستان حیره، بیرون آورد و بر دست چپ گشتم. در پایین دیوار باغی، خاک او دیدم نهاده و درختان امرو و زردآلو سر از آن باغ بیرون کرده و چندان برگ شکوفه بر خاک او ریخته بود که خاک او در زیر گل پنهان شده بود و مرایاد آمدن حکایت که به شهر بلخ از او شنیده بودم».

توصیف نظامی، نخستین توصیف از آرامگاه خیام در گورستان حیره است. مزار او در چندمتری مزار محمد بن محمد زید بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب، ملقب به محمد محروق قرار دارد، البته تأکید دفن امام‌زاده محروق در گورستان تلاجرد یا تلاجرد بنا بر روایت برخی منابع، این شبهه را پدید آورده که گوری که ابتدای قرن گذشته به‌عنوان مزار خیام بازسازی شده است، متعلق به او نیست و باید به‌عنوان یک یادمان آن را درنظر گرفت. برخی اما معتقدند گورستان حیره، همان گورستان تلاجرد است که در دوره خیام (حدود سه قرن بعد) تغییر نام داده است. به‌هرتیب خیام در کنار باغی خرم به خاک سپرده می‌شود.

- خیام و نقاش جنگ

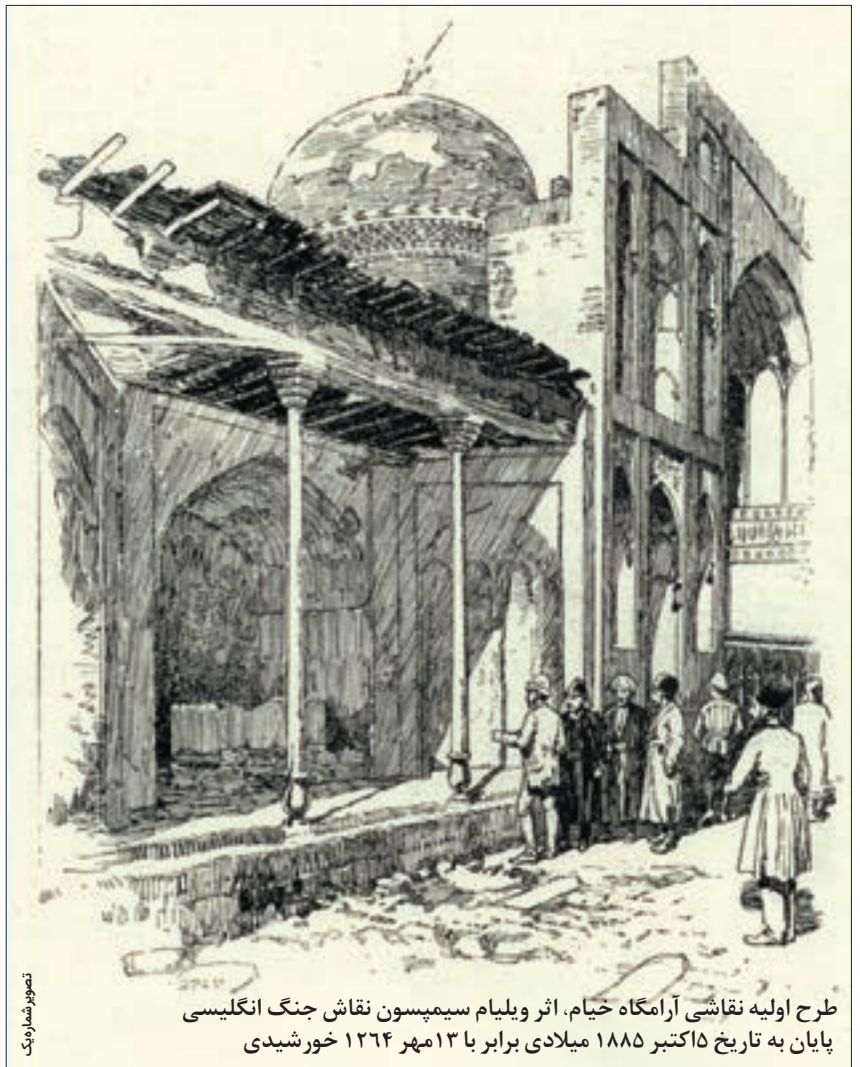
در دوره سلجوقیان، بنایی بر روی قبرهای این گورستان ازجمله مزار امام‌زاده محروق بنیان می‌شود که در حمله مغول به نیشابور از بین می‌رود. ساختمان فعلی امام‌زاده به دستور امیر کمال‌الدین، یکی از رجال معروف در زمان سلطان حسین بایقرا تیموری بنا می‌شود و سپس در دوره‌های شاه طهماسب اول(۱۱۱۹قمری)، شاه‌سلطان حسین صفوی و نادرشاه افشار (سال ۱۱۴۵قمری) مرمت و تکمیل می‌شود. مشخص نیست آرامگاه خیام در این دوره چه وضعیتی داشته است، اما نخستین خبری که مربوط به مرمت آرامگاه حکیم است، خبری است که از بازسازی آن توسط فرخ‌سیرمیرزائیرالدوله(زاده۱۲۳۵)، وفات ۱۲۸۰قمری)، پسر فتحعلی‌شاه قاجار، حکایت می‌کند؛ البته از چندوچون آن اطلاعی در دست نیست. نخستین تصویری که از آرامگاه خیام موجود است و درباره شکل آرامگاه شرح می‌دهد، مربوط به زمان حکومت ناصرالدین‌شاه(۱۲۲۷ تا ۱۲۷۵ خورشیدی) است. در این دوره، شهرت خیام چنان عالمگیر است که حتی سیاحان و گردشگران خارجی را هم به زیارت مزار خود می‌کشاند. این تصویر (تصویر شماره یک)، طرحی است که ویلیام سیمپسون به‌تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۸۸۵ میلادی، برابر با ۱۳ مهر ۱۲۶۴ خورشیدی از آرامگاه خیام کشیده است. آرامگاه، اتاقکی ایوان‌مانند است در ضلع شرقی آرامگاه محمد محروق.

سیمپسون، نقاش جنگ است که همراه هیئت اعزام‌شده به سرحدات ایران برای تعیین مرزهای ایران و افغانستان، از مقبره خیام بازدید می‌کند. او ضمن این بازدید، سه بوته گل سرخ را که بر مزار خیام روئیده است، به‌همراه نامه‌ای به انگلستان می‌فرستد. بذر همین بوته‌هاست که با انتقال بر سر مزار ادوارد فیتز جرالده، مترجم انگلیسی رباعیات خیام، در سال ۱۸۹۳ به گل می‌نشیند و شکوفه می‌دهد.

- مزار مهجور حکیم مشهور

در همین دوره ناصرالدین‌شاه است که انگلیسی‌هایی که از آرامگاه بازدید می‌کنند، از شاه درخواست می‌کنند آرامگاهی برای خیام بسازد اما شاه با وعده اینکه «خودمان می‌سازیم، مانع می‌شود. در این دوره، آرامگاه خیام اوضاع خوبی ندارد. روزنامه رعد در شماره ۲۷ سال یازدهم خود به تاریخ ۱۴ شعبان ۱۳۳۸ (۱۳۱۳ دیبِهشت ۱۲۹۹) به نقل از مسافری می‌نگارد: «ازجمله مشاهدات تأسف‌آور در عرض راه مناظر، مقبره مرحوم عمرخیام بود. این مقبره در دیوان دست راست مزار یکی از امام‌زاده‌های موسوم به امام‌زاده محمد محروق واقع است. امام‌زاده مذکور سالی قریب به ۱۲۰۰ تومان موقوفات دارد و متولیان آنجا منحصر است به سیدی که در سال، مختصر جنس به او می‌دهند و از بعضی ندورات هم استفاده می‌نماید. مازاد را معلوم نیست کدام بی‌انصافی برمی‌دارد و امام‌زاده را به حدی نزار گذاشته است. فقط دو سال قبل به اسم تعمیر آنجا شروع به خرابی نمودند و اول خرابی، همان ایوانی بود که افتخار و ادبای ایران در آنجا مدفون است، ولی تعمیر نشده و ستون‌های نیمه کاره در ایوان بالا بردند و آن مقبره، محل خاک و خاشاک بنایی شده و هیچ‌کس در فکر تعمیر آنجانیست و موقوفی آنجا هم متناوبا دست‌به‌دست هواوهوس معدودی گردیده است».

بیشتر ادب‌دوستان وضعیت آرامگاه حکیم نامدار ایرانی را «لکه سیاهی از بی‌حسی و فقدان روح قدرشناسی ملت ایران از بزرگان و رجال تاریخی خود، می‌دانند که در صفحات تاریخ انسانیت، ثبت شده است.

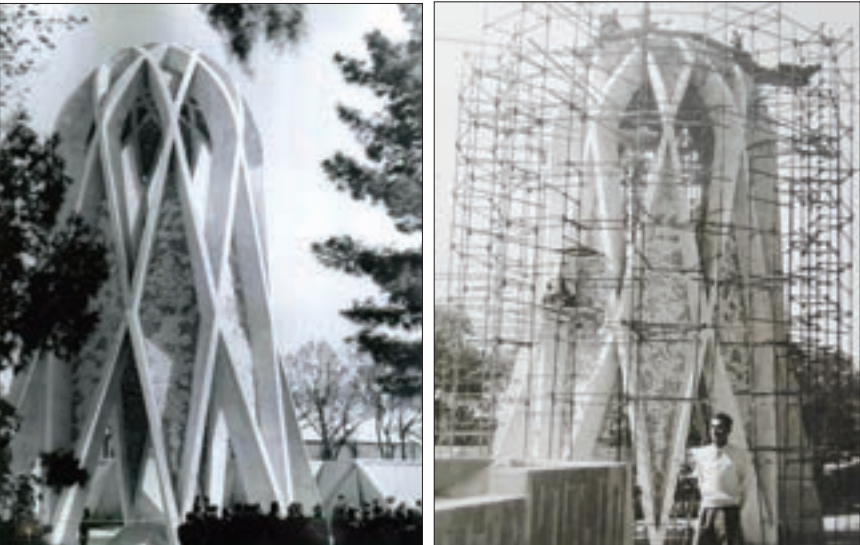


طرح اولیه نقاشی آرامگاه خیام، اثر ویلیام سیمپسون نقاش جنگ انگلیسی پایان به تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۸۸۵ میلادی برابر با ۱۳ مهر ۱۲۶۴ خورشیدی

مروری بر چند آرامگاه که برای حکیم عمرخیام نیشابوری ساخته شده است

سقفی برای کاشف افلاک

حسین بیات|
امروز روز بزرگداشت حکیم عمرخیام نیشابوری است. فقیه، ریاضی‌دان، منجم بزرگ و حکیمی که دست‌برقضا از بزرگ‌ترین و مشهورترین شاعران تاریخ ایران است که معروفیتش، مرزها را درنوردیده است و در سرتاسر کیتی، فیلسوفی خردگرا شناخته می‌شود. همین شهرت موجب شده است که درباره شخصیت و دانش خیام، صحبت‌های بسیار شود و تحقیق‌های فراوانی صورت بگیرد، اما آن چنان که باید به تاریخچه آرامگاه این اندیشمند پرداخته نشود. در مطالب پیش‌رو، نگاهی انداخته‌ایم بر تاریخچه ساخت آرامگاه این اندیشمند بزرگ نیشابوری.



- آرامگاه آخر

مرداد۱۳۳۵ انجمن آثار ملی در نامه‌ای به مهندس هوشنگ سیحون می‌نویسد که وضع بنای موجود آرامگاه خیام با شخصیت علمی و هنری خیام، متناسب نیست و انجمن درنظر دارد در این مورد اقداماتی به عمل آورد. از سیحون که پیش از این آرامگاه ابن سینا را ساخته است، خواسته می‌شود طرح و نقشه جدیدی متناسب با شخصیت خیام طراحی کند. سیحون برای اجرای ایده خود، نیاز به جابه‌جایی محل قبر دارد، محل جدید آرامگاه انتخابی سیحون، در گوشه شمالی باغ(محل فعلی) تأیید انجمن را می‌گیرد و درپی آن طرح پیشنهادی سیحون در ۱۳۳۷ به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فرستاده می‌شود. در سال ۱۳۳۸ ساخت آرامگاه کنونی خیام شروع می‌شود و سال ۱۳۴۱ پس از سه سال کار مداوم، احداث ساختمان آن به پایان می‌رسد. آرامگاه آخر حکیم عمرخیام ۱۲ فروردین ۱۳۴۲ با حضور محمدرضا پهلوی در نیشابور افتتاح می‌شود. این بنا ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که در مطلبی جداگانه به آن خواهیم پرداخت.



- پیشنهاد بهار به سردار سپه

اواخر دوره قاجار است که میرزامحمدتقی خان ملک الشعرای بهار در مجله نوپهار خود، توجه‌ها را به‌سمت آرامگاه بزرگانی چون خیام و فردوسی جلب می‌کند. ملک‌الشعراى بهار، سال ۱۳۰۲ ضمن نوشتن مقاله‌ای با تیتَر «مقبره فردوسی»، ساختن مقبرهٔ آن‌شاعر بزرگ را به‌رضاخان، سردار سپه، پیشنهاد می‌دهد و چنین می‌نویسد: «برای پذیرفتن دعوت ما، آقای سردار سپه تنها کافی است». این پیشنهاد یک سال پس از شکل‌گیری انجمن آثار ملی مطرح می‌شود؛ درست در دوره‌ای که احساسات ملی ایرانیان اوج گرفته است. ماجرای ساخت آرامگاه خیام اما از انتشار خبری در آبان ۱۳۰۴ خورشیدی آغاز می‌شود. در این ایام، آقابالاخان گنجی معروف به «سالار معتمد» که یکی از خوانین بزرگ نیشابور و خراسان در اواخر قاجار و اوایل پهلوی اول است، تصمیم می‌گیرد مزار عمر خیام را تعمیر کند که در آن ایام، «نیمه‌ویرانه‌ای ناشکوه» است. این تصمیم با اقبال روبه‌رو می‌شود و روزنامه آزادی، سال یک، شماره ۱۲ به‌تاریخ ۱۰ دی ۱۳۰۴ در گزارشی با تیتَر «تعمیر مقبره افتخار مشرق» می‌نویسد: «امیدواریم یک سالار معتمد دیگری هم برای تعمیر مقبره محبی عجم، حکیم فردوسی طوسی، پیدا شده، ایران و ایرانی را از ذلت قدرزنشناسی خلاص کند».

- احساسات ملی در قرن خیام

اگرچه وعده آقابالاخان گنجی عملی نمی‌شود، انجمن آثار ملی و مجلس شورای ملی برای تعمیر هر دو آرامگاه فردوسی و عمرخیام‌پای کار می‌آیند. موضوع اصلی جلسهٔ ۱۲۵ مجلس دورهٔ پنجاهشبه اتر ۱۳۰۶، شور و مذاکره مربوطبه قانون ۲۰ هزار تومان هزینه پیشنهادی ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی برای تعمیر مقبره فردوسی از محل صرفه‌جویی ۱۳۰۶ مجلس است که عبدا... یاسایی، نماینده سمنان و دامغان، پیشنهاد می‌دهد آرامگاه خیام نیز با همین مبلغ بازسازی شود.می‌گوید: پیشنهاد می‌کنم[در متن فائون] بعد از «مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی» اضافه شود «تعمیر مقبره خیام در نیشابور». به اعتقاد او با تصد تومان می‌شود وضعیت فعلی آرامگاه را بهبودبخشد و اما با پیشنهاد استفاده‌از بودجه ساخت آرامگاه فردوسی موافقت نمی‌شود و از یاسایی خواسته می‌شود طرح جداگانه‌ای برای استفاده‌از بودجه سال آینده پیشنهاددهد. گویا با همین طرح است که زمینه مرمت و ساخت مقبره خیام در سال ۱۳۰۷ فراهم می‌شود. ارباب کیخسرو شاهرخ که تحویل‌دار انجمن آثار ملی نیز هست، به‌عنوان نماینده برای برآورد هزینه ساخت آرامگاه، خرداد۱۳۰۷ به نیشابور می‌آید. او وعده می‌دهد که «عماقرب اقدام مؤثری برای بنای مقبره خیام خواهند نمود».

روزنامه اطلاعات چند روز قبل از بازدید ارباب کیخسرو در شماره ۵۰۱ انتشار یافته در ۸ خرداد۱۳۰۷ خود، وضعیت مقبره شاعر شهیر را این‌گونه توصیف می‌کند: «مقبره این شخصیت بزرگ در قرنی که معروف به قرن خیام است و در تمام ممالک متمدنانه نام این شخص نقل تمام محافل ادبی و اجتماعی است، عبارت است از یک اتاق سه ذرع در پنج ذرع که جلوی آن سه دهانه درگاه بزرگ دارد، ولی در ندارد. درون این اتاق فقط با خشت خام یک نمای قبر به بلندی سه چهاریک ذرع و عرض یک ذرع و چهاریک و طول دودرع و نیم ساخته شده که در چند سال قبل توسط حضرت والا شاهزاده افسر، نماینده محترم سبزوار، این اتاق تعمیر و سفیدکاری شده. زینت این مقبره به‌عوض اینکه اشعار آن بزرگوار را با اَبلاط روی کاغذهای قیمتی نوشته و با قاب‌های اعلی به دیوار آن اویزان نمایند و جلب نظر نظر را بنمایند و یا آنکه اقلا یکی دو تصویر از خود عمرخیام در این اتاق بگذارند، می‌دانید چیست؟ اشکال مختلف حسین کرد با آن سبیل‌ها و آن خنجرهای ابدار در دو دست و اشعار «خط نوشتن» بماند، یادگار». «نوشتن بر دیوار خانه» یا به یادگار نوشتن خطی به دل‌تنگی» و سایر علائم و آثار آن که در اغلب درو دیوارهای موسوم ما ملت است».

- افتتاح در هزاره فردوسی

ظاهرزاده بهزاد که به‌عنوان طراح و سازنده ساختمان مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی انتخاب شده است، را از چند آثاَر ملی برای طراحی و ساخت بنای آرامگاه خیام نیز انتخاب می‌کند، البته به نقل از روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۵۱، تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۰۹ اولین اتفاق برای بهبود وضعیت آرامگاه خیام در مهر ۱۳۰۹ رخ می‌دهد: «به اداره طرقه(راه) خراسان دستور داده شده که در ماه آبان، تعمیرات ضروری راهی را که از جاده شوشه نیشابور به مقبره حکیم عمر خیام می‌رود، به‌عمل آورند، عملیات و اصلاحات باغ و آب‌انیه آرامگاه خیام با سنگ‌های سفیدمشهد اجرا می‌شود. قبرستان مرتفع مسیحی، قسمت جنوبی آرامگاه، از چهار تاهشت‌گره، خاک‌برداری و مسطح‌شده، به یک صفحه آبگیر مبدل می‌شود. به‌جز چمن و گل کاری محوطه، خیابان وسط باغ تا در ورودی با آجر مفروش و شن‌ریزی می‌شود. درواقع باغ به‌شمالیل امروزی اش درمی‌آید. بنایی که برای آرامگاه خیام ساخته می‌شود، یک ستون سنگی است که به هشت رباعی حکیم عمرخیام مزین است. از این آرامگاه چند روز قبل از شروع هزاره فردوسی در ۱۹ مهر ۱۳۱۲ مستشرقان و فضایی داخلی بازدید می‌کنند و به‌طور رسمی افتتاح می‌شود.

شهریار

شهریار (۲۷ شهریور ۱۳۰۶ - ۲۲ شهریور ۱۳۶۴) **شهریار** (۲۷ شهریور ۱۳۰۶ - ۲۲ شهریور ۱۳۶۴)

شهریار (۲۷ شهریور ۱۳۰۶ - ۲۲ شهریور ۱۳۶۴)



تاریخ و هویت

مَشْهُدِیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت(صفت هشتادویکم)

مشهدی که «خانیکوف» در تابستان ۱۲۳۸ دید(بخش دوم)



مشریه ترایی

اگر یاداتان باشد در قسمت قبل، صحبت از ارزش سفرنامه‌ها به میان آمد. درباره سفرنامه‌های دوره قاجار حرف زدیم و برخی اشکالات آن‌ها را بررسی کردیم و رسیدیم به سفرنامه‌های اروپاییان و یادداشت‌های خانیکوف، دیپلمات روسیه تزاری که بخشی از آن‌ها درباره مشهد است. گفتیم که خانیکوف در تابستان سال ۱۲۳۸ خورشیدی وارد مشهد شد و گزارش وی از مشهد، مربوط به همین سال است. همین‌طور در قسمت قبل، روایت خانیکوف درباره نورپردازی مناره‌های حرم رضوی را آوردیم و تصویری قدیمی از حرم مطهر را در ذهن شما خوانندگان عزیز ستون «مشهدیات»، بازسازی کردیم. در این قسمت، می‌خواهیم صحبت‌های بخش پیشین را پی بگیریم و به سراغ فرازهای دیگری از سفرنامه خانیکوف برویم و گزارش‌های او را مرور کنیم؛ گزارش‌هایی که تصویری از مشهد ۱۶۴ سال قبل و امکانات آن، پیش‌روی ماقرار می‌دهد.

- محاسبه جمعیت با نرخ «برنج پخته»

گفتیم که رویکرد خانیکوف در نگارش گزارشش، رویکردی استعماری بود؛ روسیه تزاری برای عقب‌نماندن از بریتانیا، رقیب دیرینه‌اش از ایران، گروهی زبده را همراه خانیکوف کرد تا اطلاعات دقیقی را جمع‌آوری کنند. خانیکوف، با دقت شبایست یک مأمور اطلاعاتی و علاقه‌مند به تاریخ، تقریباً هیچ نکته‌ای را از قلم ننیداخته و به‌ویژه در گزارش‌های مربوط به ظرفیت سرمایه‌انسانی، نسبتاً دقیق عمل کرده است. او درباره آمار زائران و مجاوران، برآوردی منطقی دارد و می‌نویسد: «تعیین تعداد دقیق زائرانی که هرسال به مشهد سفر می‌کنند، به‌علت تغییر این رقم در هر سال و نیز آزادی فوق‌العاده زائران در ورود به این شهر و خروج از آن، بی‌آنکه در هیچ‌یک از دفاتر رسمی اثری از آن برجای بماند، غیرممکن است. اما اگر آنچه برآیم گفته شد، درست باشد و هر روز در آشپزخانه حضرتی ۱۵۰ یا ۲۰۰ (احتمالاً همان مؤن است) مشهد یعنی حدود ۷۵۰ کیلو برنج پخته میان زائران مستحق توزیع شود، می‌توان گمان برد که میزان نوسان ورود و خروج زائر، بیش از ۵۰ هزار نفر در سال است. جمعیت ثابت شهر مشهد، از ۶۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کند، گزارش خانیکوف درباره جمعیت مشهد، گزارشی برپایه بافته‌های میدانی است و مبنای او برای این محاسبه، دست کم در بخش زائران، فعالیت آشپزخانه حضرتی بوده است، آشپزخانه‌ای که احتمالاً از دوره تیموری با نام «غلوَرخانه» (غلوَر: نوعی آتش محلی در مشهد و اطراف آن) وجود داشته است و بزرگانی مانند امیرعلی شیر نوایی، موقوفاتی را برای هزینه‌های آن اختصاص داده بودند. جمعیت شهر مشهد نیز تقریباً درست برآورد شده است، حدود بیست سال بعد از خانیکوف، نخستین سرشماری مشهد انجام شد و طبق گزارش زین‌العابدین میرزای قاجار(که گزارش وی را مهدی سیدی، تصحیح کرد و با تیتَر «نفوس ارض اقدس»، منتشر شد) جمعیت شهر مشهد در سال ۱۲۵۷ خورشیدی، ۵۷ هزار و ۲۸۷ نفر بوده است که با توجه‌به شرایط اقلیمی، شیوع بیماری‌ها و نرخ زادوولد آن روزگار، ارتباطی منطقی با رقم ۶۰ هزار نفر خانیکوف دارد.

- گزارش مهم کتابخانه

ازآنجا که خانیکوف به موضوع نسخه‌های خطی و کتابخانه نیز علاقه داشته است، گزارش وی از کتابخانه آستان قدس رضوی، هم جامع و هم بسیار مهم است، هرچند که در برآورد تاریخ‌ها و تعیین قدمت اسناد کتابخانه، به‌دلیل دسترسی نداشتن به همه اسناد و احتمالاً آشفتنگی بایگانی آن‌ها، چندان دقیق عمل نکرده است. او که با مسئول کتابخانه فراقفتی پیدا کرده بود، به فهرست کتاب‌های موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی دست یافت. طبق گزارش خانیکوف، کتابخانه ۲ هزار و ۹۹۷ عنوان کتاب داشته که در ۳ هزار و ۶۵۴ مجلد نگهداری می‌شده است. او از وجود ۱۴۰ سند و ۱۰۰ طومار (همه‌نامه، وقف‌نامه و...) سخن به میان می‌آورد و می‌نویسد که از این تعداد، ۱۰۴۱ جلد قرآن(۱۸۹ جلد چاپی و ۸۵۲ جلد خطی) است که ۴۲ جلد آن به ائمه شیعه^e منسوب شده است. خانیکوف در ادامه گزارشش می‌نویسد: «نادرشاه و شخصی به‌نام اسدا...الخاتونی (اسدا...بن مؤمن بن خاتون عاملی، از علمای شیعه قرن یازدهم و منسوب به جیل عامل لبنان که اجداد وی در عصر صفویه به ایران مهاجرت کردند) بیش از دیگران به غنای این کتابخانه کمک کرده‌اند. هریک از آن‌ها تعداد چهارصد نسخه خطی به این کتابخانه هدیه داده‌اند. از این دو تن که بگذریم، شیخ‌صفی‌احمد تونی(ملااحمد تونی، از علمای بزرگ دوره صفویه و نویسنده حاشیه بر کتاب شرح لمعه) با اهدای ۲۳۲ نسخه خطی و آقا زین‌العابدین خادم با اهدای ۱۴۷ نسخه در ردیف بعدی قرار دارند».

در گزارش خانیکوف از ۴۹ جلد کتاب با موضوع ریاضیات، ۸۱ جلد با موضوع پزشکی و ۳۹ جلد با موضوع تاریخ سخن به میان آمده است و قدیمی‌ترین وقف‌نامه، مربوطبه سال ۹۳۸ قمری برای زائری به نام حسام‌الدین بوده که دهکده‌ای موسوم به «احمدآباد»، را در دوره شاه‌تهماسب یکم صفوی، وقف حرم مطهر کرده است. گزارش خانیکوف با وجود اهمیت داشتن شناخت ما درباره کتابخانه، در این حوزه چندان دقیق نیست. همان‌طور که اشاره کردیم، احتمالاً او به‌دلیل دسترسی نداشتن به همه منابع و مدارک، نتوانسته است وقف‌نامه‌های نوشته‌شده بر روی قرآن‌های قرن چهارم و پنجم هجری را ببیند. نکته دیگر اینکه آثار وقف‌شده توسط نادرشاه به کتابخانه آستان قدس رضوی، حاصل علاقه او به کتاب و کتاب‌خوانی نیست! نادرشاه بعد از آغاز سلطنتش، دستور داد باقی‌مانده کتابخانه دربار صفویه در اصفهان را به مشهد منتقل و به کتابخانه آستان قدس رضوی ملحق کنند و این کار، البته با رویکرد تقویت جایگاه فرهنگی مشهد به‌عنوان پایتخت دودمان افشاریه انجام گرفت. با تکاپوهای پژوهشی چند سال اخیر و همتی که مرکز اسناد آستان قدس رضوی به خرج کرده است. امروز، هزاران سند از قرن چهارم تا قرن چهاردهم در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که بخش بزرگ آن‌ها مربوطبه موقوفات و دستورالعمل‌های اجرایی در سازمان اداری آستان قدس ضوی است.

منبع اخبار مطبوعات: اخبار خراسان در مطبوعات، دوره‌های قاجار و پهلوی اول. پژوهش و گردآوری: سید مهدی سید قطبی